

یادداشت

اثربخت پایبندی اوپک به کاهش سقف تولید



محمد ابراهیمی
کارشناس نفت

● خبر توافق اولیه اعضای اوپک در مهرماه بر سر کاهش تولید که با وجود اختلاف‌نظرهای عمیق بین اعضا در الجزایر منتشر شد، واکنش‌هایی را در حوزه‌های اقتصاد و انرژی جهان به دنبال داشت که اکثریت این واکنش‌ها، دستیابی به توافق نهایی را به خاطر سابقه مخدوش همکاری اعضای اوپک در ۱۰ سال قبل، زیر سؤال برده بود. اما توافق سران کشورهای تولیدکننده عضو و غیرعضو اوپک که با هدف «حذف نفت مازاد در بازار» انجام شد، علامت‌های مثبتی را به بازارهای جهانی مخابره کرد و هم‌زمان امید به بهبود در وضعیت عمدتا نابسامان کشورهای تولیدکننده را که وابستگی‌شان به منابع نفتی زیاد بود، افزایش داد. در این میان اختلاف‌نظرها چه در ابعاد فنی و چه در ابعاد سیاسی، کم نبود؛ اما منافع اقتصادی مشترک، کشورها را بر آن داشت تا با تعدیل برخی مواضع خود، راه را برای بازگشت اقتدار به اوپک هموار کرده و از این رهگذر، منافع اقتصادی‌شان را تا حدی تضمین کنند. با همه اینها، «تبعیت از توافق» همچنان «دغدغه اصلی» بازار نفت بود؛ اما گزارش‌های منتشره اخیر از سوی آژانس بین‌المللی انرژی درباره پایبندی ۹۰درصدی اعضای اوپک به تعهدات و کاهش ۱۰۵ میلیون‌بشکه‌ای عرضه روزانه از سوی تولیدکنندگان عضو و غیرعضو تا حد زیادی امیدها را به بهبود وضع قیمت جهانی نفت افزایش داد. این خوش‌بینی‌ها که با تأثیرگذاری مستقیم عربستان سعودی و حمایت‌نمایندهای مانند کویت، امارات و قطر همراه بود، منجر به قدرت‌گیری مجدد این کشور نفت‌خیز در عرصه انرژی جهانی شد؛ تاجایی‌که خبرگزاری‌های معتبر اخبار را مبنی بر تصمیم عربستان سعودی برای در دست‌گرفتن کنترل عرضه و تقاضا و مدیریت بر قیمت جهانی نفت منتشر کردند. اگرچه مدیریت بر قیمت جهانی نفت، امری نیست که به‌تثانی از عهده یک کشور تولیدکننده برآید؛ اما بازگشت عقلانیت در سیاست‌های نفتی سعودی‌ها و بررسی آنها درباره ذخایر نفتی جهان در کنار توجه به تهدیدات مربوط به نفت شیل، احتمال تثبیت قیمت نفت را در سال ۲۰۱۷ امکان‌پذیرتر از قبل کرده است. بر اساس سیاست‌های متخذه از سوی عربستان سعودی و شرکا، تحقق پیش‌بینی‌ها و همکاری تولیدکنندگان عضو و غیرعضو اوپک برای کاهش ۸۰میلیون‌بشکه‌ای عرضه نفت، امکان‌های فروش طلای سیاه را به قیمت ۶۰ دلار برای هر بشکه، محقق می‌کند؛ قیمتی که به عقیده سعودی‌ها علاوه بر اینکه موجب تشویق سرمایه‌گذاری در مبادین جدید می‌شود، باعث اقتصادی شدن تولید نفت شیل آمریکا نیز نخواهد شد. واضح است که توافق ۳۰ نوامبر ۲۰۱۶ اوپک، برنامه مشخصی برای تعیین و تثبیت قیمت جهانی نفت در سقف معینی نداشت؛ اما تصمیم‌گیران در آن جلسه به‌خوبی بر این واقعیت اشراق داشتند که «استراتژی کاهش مازاد عرضه» جهانی، دست‌ها را برای اجرای «تاکتیک‌های اقتصادی» کشورهای تولیدکننده باز خواهد کرد؛ امری که در کشور ما نیز نمایان بود؛ آن‌گاه که دولت هنگام تنظیم لایحه بودجه سال ۱۳۹۶ کل کشور حتی بر سناریوهایی مکی بر نفت ۴۰۰دلاری نیز تأمل کرد؛ اما به‌محض حصول اطمینان از احتمال توافق بر سر کاهش تولید اوپک، سناریوی نفت ۵۰ تا ۵۵ دلاری را در قالب لایحه بودجه تقدیم مجلس شورای اسلامی کرد؛ پیش‌بینی‌ای که اگرچه تحقق صددرصدی آن برای کل سال ۱۳۹۶ دشوار است؛ اما علامت‌های بازار گواه آن است که حداقل در دوماهه سپری‌شده از سال ۲۰۱۷، مشتریان نفت ایران حاضر شدند نفت سبک و سنگین کشور را به قیمت‌هایی بالاتر از ۵۰ دلار خریداری کنند. در این شرایط که علائم و شواهد حاکی از آن است که بازار جهانی نفت از تلاطم سال‌های قبل خارج و از طرف دیگر ایران نیز در سایه توافق تاریخی اوپک از رزمه کشورهای مکلف به کاهش تولید مستثنا شده، توجه دولت به بهره‌گیری از این موقعیت برای بازپس‌گیری سهم از دست‌رفته صادرات نفتی، به مثابه غنیمت‌شمردن فرصتی تکرارنشده‌ای است که شاید در اجلاس ماه می کشورهای عضو اوپک ایجاد نشود و بهتر است دولت با اتکا به فضای اقتصادی نسبتاً مناسب موجود، همه امکانات خود را به‌کار ببندد تا با هر عاملی که موجب ایجاد اختلال در روند صادرات نفت خام کشور می‌شود، مبارزه کرده و بر راستی بازگشت سطح تولید کشور به قبل از تحریم‌ها، تمهیدات لازم را برای احیای سهم ۲۰۹میلیون‌بشکه‌ای در روز به‌کار گیرد. به‌هرحال آنچه از رفتار تولیدکنندگان نفت عضو و غیرعضو اوپک در چهار ماه سپری‌شده از اجلاس نوامبر و نیز تحلیل عکس‌العمل‌های بازار می‌توان دریافت، برقراری آرامش نسبی و ایجاد تعادل بیشتر در عرضه و تقاضای جهانی نفت است که این آرامش نسبی و تعادل بعد از سال‌های بحرانی نفت، خبر خوشی است برای کشورهای صادرکننده و عاملی است برای بازگرداندن حس اعتماد و اطمینان به سرمایه‌گذاران و غول‌های بزرگ نفتی برای ادامه فعالیت در این عرصه پرخطر و البته پرمفعت.



محسن قاسمی
دبیرکل انجمن
حسابداران خیره ایران

با نگاهی گذرا به تاریخچه تأسیس «سازمان حسابرسی» درمی‌یابیم این سازمان محصول و زاینده رادیکال‌ترین شق تفکر دولتی‌سازی اقتصاد ایران است که اوج اقبال به آن و تأثیرگذاری آن را در دهه ۱۳۶۰ شاهد بودیم. «قانون تشکیل سازمان حسابرسی» در سال ۱۳۶۲ و «قانون اساسنامه سازمان حسابرسی» در سال ۱۳۶۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در اجرای این دو قانون، سازمان حسابرسی از ادغام چهار مؤسسه حسابرسی دولتی و شبه‌دولتی - شامل شرکت سهامی حسابرسی، مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه، مؤسسه حسابرسی بنیاد مستضعفان و مؤسسه حسابرسی شاهد - و در هیئت یک سازمان عجیب‌الخلقه با به عرصه اقتصاد کاملاً دولتی آن سال‌های ایران گذاشت و باوجود تغییر ساختار مالکیتی اقتصاد ایران در سه دهه گذشته، همچنان با همان منطق رادیکال دولتی به فعالیت خود ادامه داده است. خدمات این سازمان را در قریب به ۳۰ سال که از تأسیس آن می‌گذرد، می‌توان در سه گروه اصلی زیر گروه‌بندی کرد: ۱) ارائه خدمات اطمینان‌بخشی (عمدتاً شامل حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی)، ۲) استانداردگذاری (در همه زمینه‌های تخصصی حسابداری شامل حسابداری بخش خصوصی، حسابداری بخش عمومی، حسابرسی مستقل و حسابرسی عملیاتی) و ۳) انتشارات/آموزش.

آنچه در این مقاله استدلال خواهد شد، این باور است که سازمان حسابرسی، به دلیل پی‌ریزی غیرمنطقی و غیرحرفه‌ای، هم در زمینه ارائه خدمات اطمینان‌بخشی (حسابرسی) و هم در زمینه استانداردگذاری - دو خدمت اصلی و تأثیرگذار این سازمان بر اقتصاد ایران - نه می‌توانسته «مستقل» عمل کند و نه در همه موارد «مستقل» عمل کرده است، به عبارت دیگر، سازمان حسابرسی هم ماهیتاً یک سازمان وابسته (ناستقل) است و هم عملکرد آن در ۳۰ سال گذشته در موارد متعددی مؤید این وابستگی (استقلال مخدوش) بوده است.

سازمان حسابرسی: سازمانی با وظایف قانونی متضاد
با نگاهی گذرا به ماده‌واحد نیم‌صفحه‌ای «قانون تشکیل سازمان حسابرسی» (مصوب ۱۳۶۲) که ساختار ساده، ناشیانه و ناقص آن کاملاًگویای این واقعیت است که به صورت عجله‌ای، سردستی و برای خالی نبودن عریضه در سال‌های به اوج‌رسیدن اقدامات دولتی‌سازی اقتصاد ایران تنظیم شده است؛ درمی‌یابیم که پیشنهاددهندگان این قانون ناقص‌الخلقه، عمداً یا سهواً، معجونی از وظایف گوناگون و عمدتاً متضاد را بر عهده این سازمان گذاشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که به جرئت می‌توان دلایل اصلی توسعه‌نیافتگی حرفه حسابداری ایران و همچنین بسیاری از مسائل و مشکلات مبتلا به آن در ۳۰ سال گذشته را با این بنیان‌گذاری غلط ردیابی کرد.

در تبصره (۲) ماده‌واحد «قانون تشکیل سازمان حسابرسی» (مصوب ۱۳۶۲)، وظیفه ارائه خدمات حرفه‌ای متنوع و بعضاً متضاد زیر به دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی که از اوایل دهه ۱۳۶۰ در نتیجه ملی‌سازی (بخوانید «دولتی‌سازی») بخش عمده‌ای از اقتصاد کشور، عملاً درگیر بنگاه‌داری شده بودند، بر عهده سازمان حسابرسی گذاشته شده است:

- حسابرسی صورت‌های مالی
- بازرسی قانونی
- ارائه خدمات مالی
- آموزش کارکنان
- تدوین اصول و ضوابط فنی حسابداری و حسابرسی.

دانشگاهیان و افراد حرفه‌ای حسابداری، چه در ایران و چه در دیگر نقاط جهان، به‌عنوان یک فرض بدیهی می‌دانند که خدمات اصلی حرفه حسابداری (شامل: ۱)حسابداری و گزارشگری مالی (خدمات اجرایی)، ۲)خدمات مشاوره‌ای و ۳) حسابرسی (خدمات اطمینان‌بخشی)، خدماتی هستند که به دلیل تضاد ذاتی نمی‌توانند همه از سوی یک شخص (حقیقی/ حقوقی) به یک صاحب‌ارائه شوند. به عنوان مثال، شخصی (حقیقی/حقوقی) که در یک دوره مالی وظیفه حسابداری و گزارشگری مالی یک شخصیت گزارشگر را برعهده داشته است، یا در آن دوره مالی به آن شخصیت گزارشگر خدمات مشاوره‌ای ارائه داده است، نمی‌تواند وظیفه حسابرسی صورت‌های مالی همان دوره مالی آن شخصیت گزارشگر را ایفا کند. دلیل هم کاملاً واضح است؛ چراکه مصلی یک کار نمی‌تواند درباره کاری که خود در انجام آن درگیر بوده است، اظهارنظر درخور اتکالی ارائه دهد، بلکه شخص مستقل دیگری باید این وظیفه را ایفا کند. علاوه بر تعارض آشکار فوق، هر ناظر معقول و منطقی تأیید می‌کند «ضابطه‌گذار (استانداردگذار)» یک عمل باید از «مجری» آن عمل مستقل باشد. به عنوان مثال، یک کارخانه خودروسازی منطقاً نمی‌تواند استانداردهای ساخت خودرو را نیز وضع کند؛ حتی اگر بزرگ‌ترین یا تنها کارخانه خودروسازی باشد. در این مثال، وظیفه تعیین استانداردهای ساخت خودرو باید برعهده نهادی باشد که هیچ‌گونه وابستگی به صنعت خودروسازی نداشته باشد. با توجه به دو استدلالی که در بالا گفته شد، هر مخاطب اهل فنی، تأیید می‌کند وظایف مقرر در تبصره (۲) «قانون تشکیل سازمان حسابرسی»، از همان روز تصویب قانون تاکنون، در تضاد ماهوی با یکدیگر بوده‌اند؛ بنابراین، ایجاد سازمان عجیب‌الخلقه‌ای مانند سازمان حسابرسی که به جرئت می‌توان گفت در تاریخ حسابداری جهان هیچ نمونه مشابهی نداشته است و نخواهد داشت، کاملاً طبیعی و مورد انتظاری بوده است.

حسابرس وابسته/اظهارنظرسوگیرانه

«استقلال» از صاحبکار (وابستگی نداشتن به صاحبکار) اصلی‌ترین ویژگی بایسته واغماض‌ناپذیر حسابررس در ارائه خدمات اطمینان‌بخش از جمله حسابرسی صورت‌های مالی است. به عبارت دیگر، حسابررس باید فاقد هرگونه وابستگی به صاحبکار باشد تا بتواند بی‌طرفانه و بدون هرگونه سوگیری نسبت به صورت‌های مالی صاحبکار اظهارنظر کند. در غیر این صورت، اظهارنظر حسابررس درباره صورت‌های مالی صاحبکار ممکن است تحت تأثیر وابستگی اش به صاحبکار قرار گیرد و از دایره انصاف خارج شود.

این در حالی است که سازمان حسابرسی به‌عنوان یکی از سازمان‌های زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی دارای بالاترین حد وابستگی به صاحبکار خود (دولت) است. به جرئت می‌توان گفت این حد از وابستگی یک مؤسسه حسابرسی به صاحبکار خود در طول تاریخ حسابداری جهان هیچ نمونه مشابهی نداشته است و نخواهد داشت. در ۳۰ سال گذشته به دفعات شاهد اجرای نمایش برگزاری مجامع عمومی عادی سالانه شرکت‌های دولتی ریز و درشتی بوده‌ایم که در آنها «مالک» (دولت)، «مدیر» (مدیران دولتی)، و «حسابرس» (سازمان حسابرسی) هر سه در واقع یکی و همان «دولت» بوده‌اند. البته شاید برخی افراد چنین استدلال کنند که دولت صاحب‌اختیار اموال خود است و در ۳۰ سال گذشته چنین صلاح دانسته است که یک سازمان زیرمجموعه خود را مأمور انجام حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌های زیرمجموعه خود کند. به عبارت دیگر، دولت با وجود اینکه از عدم استقلال (وابستگی) سازمان حسابرسی آگاه بوده است، ولی چون به کیفیت فنی کار حسابرسی این سازمان اعتماد داشته است (یا هر دلیل دیگری) بنابراین به اظهارنظرهای مدیران این سازمان اتکا می‌کرده است. به این استدلال به ظاهر منطقی دو ایراد اساسی وارد است:

نخست، اینکه اموال در تملک دولت، از جمله شرکت‌های دولتی، به‌ظاهر در تملک دولت هستند. درحالی‌که مالک حقیقی این اموال «مردم» هستند. در واقع، فقط «اداره» (مباشرت) این اموال برعهده دولت است. بنابراین، دولت در جایگاه «مباشر» مردم، که مالکان حقیقی اموال دولتی هستند، باید هرساله درخواست خود اداره این اموال به مردم گزارش دهد. صورت‌های مالی سالانه شرکت‌های دولتی تجلی «حساب‌دهی» دولت (مباشر) به مردم (مالک) است. از این دیدگاه، آن شخصیت حسابرسی که وظیفه انجام حسابرسی صورت‌های مالی شرکت‌های دولتی و اظهارنظر نسبت به منصفانه‌بودن ارائه آنها را بر عهده می‌گیرد، نمی‌تواند یک مؤسسه حسابرسی صددرصد دولتی و کاملاً وابسته و تحت کنترل و نفوذ مطلق دولت (مباشر) باشد. چنین وضعیتی مشابه این است که وظیفه انجام حسابرسی صورت‌های مالی یک شرکت سهامی عام (با چندین هزار سهام‌دار) از سوی هیئت‌مدیره شرکت بر عهده یکی از کارکنان همان شرکت گذاشته شود. بدیهی است، اظهارنظر چنین حسابرسی به دلیل عدم استقلال و وابستگی مطلق وی به مدیریت شرکت از دیدگاه سهام‌داران فاقد هرگونه ارزش و اتکاپذیری است.

دومین ایرادی که به استدلال فوق وارد است، در خصوص حسابرسی صورت‌های مالی آن گروه از شرکت‌های دولتی مصداق پیدا می‌کند که دارای سهام‌داران خُرد غیردولتی نیز هستند. در این شرکت‌ها، حسابرسی که وظیفه انجام حسابرسی صورت‌های مالی و اظهارنظر نسبت به منصفانه‌بودن ارائه آنها را برعهده دارد (سازمان حسابرسی) دارای وابستگی مطلق به سهام‌دار عمده است. به همین دلیل، اظهارنظر چنین حسابرسی نیز به دلیل وابستگی مطلق آن به سهام‌دار عمده (دولت) از دیدگاه سهام‌داران خُرد غیردولتی فاقد هرگونه ارزش و اتکاپذیری است.

استانداردگذار وابسته/ استانداردهای سوگیرانه

همان‌طور که در بالا به دفعات تأکید شد، سازمان حسابرسی به‌عنوان یکی از سازمان‌های زیرمجموعه وزارت امور اقتصادی و دارایی دارای وابستگی مطلق به دولت است. این سازمان را اواسط دهه ۱۳۷۰ با تفسیر به رای مفادی از «قانون تشکیل سازمان حسابرسی» (مصوب ۱۳۶۲) و «قانون اساسنامه سازمان حسابرسی» (مصوب ۱۳۶۶) اقدام به تدوین (بخوانید «ترجمه» و «بومی‌سازی» سلیقه‌ای و بعضاً سوگیرانه) استانداردهای حسابداری بخش خصوصی، استانداردهای حسابداری بخش عمومی، استانداردهای حسابرسی و استانداردهای حسابرسی عملیاتی لازم‌الاجرا در کشور کرده است. این اقدام غیرحرفه‌ای و غیرمنطقی سازمان حسابرسی، در مقاطع مختلفی از ۲۰ سال گذشته، از سوی صاحب‌نظران متعدد حسابداری کشور از زوایای گوناگونی مورد انتقاد قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، ابعاد مختلف این فرایند استانداردگذاری غیرحرفه‌ای و غیرمنطقی در مقاله دیگری به قلم این نگارنده با عنوان «ضابطه‌گذاری حسابداری در ایران: نیازمند بازاندیشی و دگرگونی» (مجله حسابدار، شماره ۲۵۷، مرداد ۱۳۹۲، صص ۳۰۹-۳۰۶) که در سال ۱۳۹۲ به‌عنوان مقاله برتر سال از سوی انجمن حسابداران خیره ایران مورد تقدیر قرار گرفت، به صورت مشروح مورد انتقاد قرار گرفته است که از تکرار جزئیات آن در مقاله حاضر خودداری می‌شود؛ و با توجه به شاه‌بیت مورد تأکید در این مقاله، صرفاً با ایراد اساسی «عدم استقلال» (وابستگی) سازمان حسابرسی پرداخته خواهد شد.

استانداردگذاری در زمینه‌های تخصصی حسابداری (از جمله، حسابداری بخش خصوصی، حسابداری بخش عمومی، و حسابرسی) در هر کشوری دارای تبعات اقتصادی و حتی دارای تبعات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متفاوت برای ذی‌نفعان گوناگون است. از این رو، ساختار نهاد استانداردگذار و فرایند استانداردگذاری

اقتصاد

آیا سازمان حسابرسی، مستقل عمل کرده است؟!

۲) الزام واحدهای تجاری تحت کنترل دولت به رعایت

مفاد این استاندارد درخواست تمام معاملات با سایر واحدهای دولتی، ناگفته روشن است که حذف این دو الزام بسیار بااهمیت از این استاندارد، ریشه در وابستگی مطلق نهاد استانداردگذار ایران (سازمان حسابرسی) به دولت داشته است و دلایل ذکرشده در پیوست این استاندارد، توجیه‌هایی بیش نیستند؛ چراکه حداقل درباره مورد اول (حذف الزام افشای حقوق و مزایای مدیران اصلی در صورت‌های مالی)، مطالبه و حساسیت بی‌سابقه به وجود آمده در جامعه در یک سال گذشته، درخواست موضوع موسوم به «حقوق‌های نجومی»، بر همگان ثابت کرد که از نظر عموم ذی‌نفعان گزارشگری مالی شرکت‌های دولتی، مبالغ حقوق و مزایای مدیران اصلی یکی از اساسی‌ترین اطلاعات مربوط و مورد توجه است و برخلاف تصمیم سوگیرانه نهاد استانداردگذار (سازمان حسابرسی)، ضرورتاً باید در صورت‌های مالی افشا شود.

سازمان حسابرسی: تنها مؤسسه حسابرسی بدون ناظر حرفه‌ای در جهان

در بخش پایانی این مقاله، نکته‌ای که جا دارد به آن اشاره و تأکید شود، این نکته ظریف و بااهمیت است که سازمان حسابرسی به‌عنوان یک ابرمؤسسه حسابرسی در اقتصاد ایران که به گفته مدیرعامل آن به تنهایی حدود ۲۰ درصد از درآمد حسابرسی کشور را در اختیار دارد (مجله حسابدار، شماره ۲۸۷-۲۸۸، اسفند ۱۳۹۴ - فروردین ۱۳۹۵، صص ۱۳-۱۲)، بدون هیچ دلیل منطقی و حرفه‌ای، هم از سازوکار «کنترل کیفیت» و هم از سازوکار «اقدامات انضباطی» عمل‌شده در حرفه حسابرسی کشور معاف است. این دو سازوکار بااهمیت و ضروری، با الگوبرداری منطقی و حرفه‌ای از سازوکارهای مورد عمل در حرفه‌های حسابرسی سایر کشورها و همچنین سازوکارهای مورد عمل در حرفه‌های دیگر فعال در کشور (مثل وکالت، پزشکی، مهندسی و...)، از سوی نهاد قانونی ناظر بر حرفه حسابرسی ایران یعنی «جامعه حسابداران رسمی ایران» در ارتباط با همه مؤسسات حسابرسی و حسابرسان افرادی دیگر مستمرا و با دقت بالا اعمال می‌شود و تنها این بزرگ‌ترین مؤسسه حسابرسی ایران (سازمان حسابرسی) است که صرفاً به پشتوانه نفوذ دولتی خود از این دو سازوکار کنترلی ضروری معاف شده است. در صورتی‌که اگر سازمان حسابرسی نیز مانند دیگر مؤسسات حسابرسی فعال در کشور مشمول این دو سازوکار کنترلی قرار داشت، حداقل تاحدودی می‌توانست در نگاه ذی‌نفعان مختلف خدمات حسابرسی، مستقل به نظر برسد.

مرکز خریدنارون شانزدهمین جشنواره بزرگ

جمعه ۲۰ اسفند ساعت ۱۵

نیاوران، بعد از چهارراه کامرانیه

www.naroonshoppingcenter.com

خبر ویژه

۱۳ پروژه تأمین مالی شده توسط اگزیم‌بانک ایران

● فعالیت در چارچوب هدف مهم گسترش روابط بین‌المللی و جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، از جمله اقدامات دولت یازدهم بوده است که علاوه بر لزوم تحقق تحولات لازم در عرصه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی، نیازمند همراهی و برنامه‌ریزی صحیح نهادهای مالی در کشور است. بانک توسعه صادرات که رسالت کمک به صادرات غیرنفتی را برعهده دارد، علاوه بر تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌ها و ارائه تسهیلات به صادرکنندگان، تقویت زیرساخت‌های صادراتی را نیز در دستور کار خود قرار داده است. به این منظور کارشناسان بانک با تشخیص به‌موقع نیازهای کشور برای ارائه تسهیلات به پروژه‌های زیرساختی از طرق مختلف اقدام می‌کنند. بسیاری از پروژه‌هایی که جنبه ملی داشته و تأثیر فراسرزمینی آن در بعد صادرات شایان توجه است، تاکنون توانسته‌اند از تأمین مالی بانک توسعه صادرات بهره‌مند شوند. با نگاهی به ۱۳ پروژه مهم و ملی نحوه حضور اگزیم‌بانک ایران در این پروژه‌ها در ذیل می‌آید: تسهیلات بانک توسعه صادرات برای بندر شهید بهشتی چابهار؛ مشارکت در تجهیز فاز یک بندر شهید بهشتی چابهار مبلغ کل طرح ۴۷۰ میلیون دلار در فاز یک بوده و به میزان ۳۳۳ میلیون ریال تسهیلات از این بانک دریافت کرده است. ساخت پارک آبی در جزیره کیش؛ مشارکت در ساخت پارک آبی در جزیره کیش در حوزه گردشگری و توریسم که مبلغ کل طرح صد میلیارد تومان بوده و به میزان ۱۱ میلیون یورو به طور ارزی و ۱۰ میلیارد تومان به طور ریالی از بانک توسعه صادرات تسهیلات دریافت کرده است. احداث سد و نیروگاه سنگ توده در روی رودخانه وخش در کشور تاجیکستان؛ احداث سد و نیروگاه سنگ توده در روی رودخانه وخش در کشور تاجیکستان مبلغ کل طرح ۳۲۰ میلیون دلار و مبلغ تسهیلات ۲۴۲ میلیون دلار، ۱۸۰ میلیون دلار از محل منابع حساب ذخیره ارزی و ۶۲ میلیون دلار از محل منابع بانک توسعه صادرات ایران خواهد بود. احداث نیروگاه سیکل ترکیبی ۹۶۸ مگاواتی بره‌سر گیلان؛ احداث نیروگاه سیکل ترکیبی ۶۱۴ میلیون یورو و مبلغ تسهیلات ۲۵۰ میلیون یورو و از طریق عقود مشارکت مدنی و فروش اقساطی و همچنین محل منابع بانک تسهیلات پرداخت شده است.

ادامه در صفحه ۱۵